

سلام افلا



پایان نامه کارشناسی ارشد رشته: کارگردانی

تئاتر پداگوژی در آموزش و پرورش ایران

پروژه عملی: کارگردانی نمایش آهسته با گل سرخ

مهلقا باقری

استاد راهنما:

دکتر محمدرضا خاکی




استاد مشاور:

دکتر فرهاد مهندس پور

فروردین ۱۳۸۹

تأیید اعضای هیات داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

اعضای هیئت داوران نسخه نهایی پایان نامه خانم مهلقا باقری تحت عنوان: «تاثیر پداگوژی در آموزش و پرورش ایران - پروژه عملی: کارگردانی نمایش «آهسته با گل سرخ» را از نظر فرم و محتوی بررسی نموده و پذیرش آنرا برای تکمیل درجه کارشناسی ارشد پیشنهاد می کنند.

اعضای هیات داوران	نام و نام خانوادگی	رتبه علمی	امضاء
۱- استاد راهنما (نظری)	دکتر محمد رضا خاکی	استادیار	
۲- استاد راهنما (عملی)	دکتر مسعود دلخواه	استادیار	
۳- استاد مشاور	دکتر فرهاد مهندس پور	استادیار	
۴- استاد ناظر	دکتر مهدی حامد سقاییان	استادیار	
۵- استاد ناظر	دکتر اسماعیل شفیعی	استادیار	
۶- نماینده تحصیلات تکمیلی	دکتر مهدی حامد سقاییان	استادیار	

آیین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهش‌های علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرح‌های تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می‌باشد ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجوی مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می‌باشد. **تبصره:** در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب و یا نرم افزار و یا آثار ویژه (اثری هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایشنامه) حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آیین‌نامه‌های مصوب انجام شود.

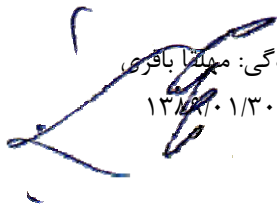
ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته‌ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرح‌های تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸۷/۴/۱ در شورای پژوهشی و در تاریخ ۸۷/۴/۲۳ در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ ۸۷/۷/۱۵ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.

«اینجانب **مهلقا باقری** دانشجوی رشته **کارگردانی** ورودی سال تحصیلی **۱۳۸۷** مقطع **کارشناسی ارشد** دانشکده **هنر و معماری** متعهد می‌شوم کلیه نکات مندرج در آیین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهش‌های علمی دانشگاه تربیت مدرس را در انتشار یافته‌های علمی مستخرج از پایان‌نامه / رساله تحصیلی خود رعایت نمایم. در صورت تخلف از مفاد آیین‌نامه فوق‌الاشعار به دانشگاه وکالت و نمایندگی می‌دهم که از طرف اینجانب نسبت به لغو امتیاز اختراع بنام بنده و یا هرگونه امتیاز دیگر و تغییر آن به نام دانشگاه اقدام نماید. ضمناً نسبت به جبران فوری ضرر و زیان حاصله براساس برآورد دانشگاه اقدام خواهم نمود و بدینوسیله حق هرگونه اعتراض را از خود سلب نمودم.»

نام و نام خانوادگی: مهلقا باقری

تاریخ و امضاء: ۱۳/۳۰/۱۳۸۷



آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به دفتر «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه)، عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد نگارنده در رشته کارگردانی است که در سال ۱۳۸۹ در دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی آقای دکتر محمدرضا خاکی و مشاوره آقای دکتر فرهاد مهندس پور از آن دفاع شده است.»

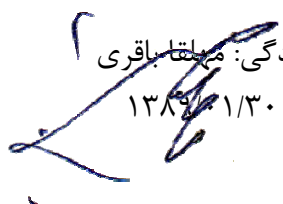
ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تادیب کند.

ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تأمین نماید.

ماده ۶: اینجانب مهلقاً باقری دانشجوی رشته کارگردانی مقطع کارشناسی ارشد تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی: مهلقاً باقری
تاریخ و امضاء: ۱۳۸۹/۱/۳۰



تقدیم به:

همسر عزیزم؛

که اگر حضور صادقانه او نبود این زندگی هنری برایم مفهوم نداشت.

پدر و مادر مهربانم؛

که از شروع زندگی من را با مفهوم هنر آشنا کردند.

تشکر و قدردانی از:

- ❖ استاد عزیزم دکتر محمد رضا خاکی و جناب آقای دکتر آندره آس پوپه که در شکل گیری این پایان نامه راهنمایم بودند.
- ❖ مهوش فیروززاده عزیز و مهربان که با مهربانی هایش مرا در تمامی مراحل شکل گیری این پایان نامه همراهی کرد.
- ❖ دکتر فرهاد مهندس پور و دکتر مسعود دلخواه که در به انجام رساندن پروژه پایان نامه مرا خالصانه همراه بودند.

چکیده:

"تئاتر پداگوژی" به عنوان تشکیلات مبتکری است که در یک پروسه‌ی روشمند - عملی و تئوری، انعطاف‌پذیر بوده و در این راه آغاز به تثبیت خود کرده. "تئاتر پداگوژی" امروزه در مسیری قرار دارد که اندیشمندان آن را «مسیری به سمت علوم نرمال» می‌دانند. آنچه که در مورد "تئاتر پداگوژی" حائز اهمیت است، این است که پدیده‌ی "تئاتر پداگوژی" صاحب پیشینه‌ای بسیار قدیمی‌تر از نام خود است که ظاهراً از دهه‌ی ۵۰ در شرق آلمان و دهه‌ی ۷۰ در غرب آلمان مورد استفاده قرار گرفت. شیوه‌های تئاتری و پرورش بازیگر، کسانی چون: استانیسلاوسکی، آگوستوبوال، برتولت برشت و بی شک در زمینه‌ی مردمی کردن سیستم، آموزش تئاتر همگانی، رسوخ "تئاتر پداگوژی" در ارکان جامعه و کاربرد همه جانبه‌ی آن، بسیار بنیادین و مهم واقع گشته است. در یک افق گسترده‌تر می‌توان چنین نتیجه گرفت که "تئاتر پداگوژی" حتی از پدیده‌ی تئاتر قدیمی‌تر بوده و این موضوع بیانگر آن است که از آنجا که تمامی انسان‌ها غرایز مشترکی دارند، پس در تمامی جهان خاستگاه "تئاتر پداگوژی" به صورت پراکنده وجود داشته و ای کاش زمینه‌های تحقیق در مورد آن مهیا می‌گشت تا امکان کشف آثار و مدارک تاریخی "تئاتر پداگوژی" میسر می‌شد.

این پایان‌نامه شامل پنج فصل است که: در ابتدا نگاهی مختصر به تاریخچه‌ی "تئاتر پداگوژی" دارد. در فصل‌های آتی به تعریف "تئاتر پداگوژی" و "گروه هدف" و "سیستم آموزشی تئاتر پداگوژی" و "تئاتر پداگوژی در سیستم آموزشی" پرداخته می‌شود. و سرآخر در فصل پایانی به ضرورت حضور "تئاتر پداگوژی" در "آموزش و پرورش ایران" اشاره می‌شود.

واژگان کلیدی: تئاتر پداگوژی، گروه هدف، استانیسلاوسکی، آگوستو بوال، برتولت برشت، سیستم آموزشی.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول: مختصری از تاریخچه‌ی "تئاتر پداگوژی" ۱

۱-۱- تاریخچه‌ی "تئاتر پداگوژی" ۲

۲-۱- تاریخچه‌ی "تئاتر پداگوژی" در ایران ۶

فصل دوم: تعریف "تئاتر پداگوژی" ۹

۱-۲- "گروه هدف" در "تئاتر پداگوژی" ۱۲

۲-۲- "تئاتر پداگوژی" و "زیبایی‌شناسی" ۱۵

۳-۲- شیوه‌ی کار در "تئاتر پداگوژی" و تفاوت آن با "تئاتر حرفه‌ای" ۱۹

۴-۲- الگوهای "تئاتر بوال" و ارتباط آن با "تئاتر پداگوژی" ۲۳

فصل سوم: سیستم آموزشی در "تئاتر پداگوژی" ۳۳

۱-۳- مرکز تئاتر پداگوژی (TPZ) ۳۴

۳-۱-۱- مفهوم یادگیری در (TPZ) ۳۵

۳-۱-۲- آموزش در TPZ ۳۶

۳-۱-۳- رقص (حرکات موزون) در TPZ ۳۶

۳-۱-۴- اساسی‌ترین عنصر در آموزش (TPZ) ۳۷

۳-۱-۵- مفهوم بازی در (TPZ) ۳۸

۳-۱-۶- سیرک در (TPZ) ۳۹

۲-۳- سیستم آموزشی در "دانشگاه علوم عملی اوزنابروک"، (انیستیتوی "تئاتر پداگوژی")

لنیگن آلمان) ۴۰

فصل چهارم: "تئاتر پداگوژی" در سیستم آموزشی ۹۱

۱-۴- "تئاتر پداگوژی" پیش از مدرسه ۹۲

۱-۱-۴- دو نمونه از "کار با کودک" در مرکز (TPZ) ۹۶

۲-۱-۴- "تئاتر پداگوژی برای کودک" و ارتباط آن با "تئاتر حرفهای کودک" ۹۸

۲-۴- "تئاتر پداگوژی" در مدرسه ۹۹

۱-۲-۴- قواعد اجرا، به عنوان برآیندی از "تئاتر مدرسه‌های" و "تئاتر پداگوژی" ۱۰۰

۲-۲-۴- قواعد کاری "تئاتر پداگوژی" در تولید "تئاتر مدارس" ۱۰۱

۳-۴- "تئاتر پداگوژی، خارج از مدرسه" و در سطح اجتماع ۱۰۲

۴-۴- "تئاتر پداگوژی" در کلیساها (اماکن مذهبی) ۱۰۴

فصل پنجم: ضرورت‌ها و نتیجه‌گیری ۱۰۵

فهرست منابع ۱۱۰

شرح و تصاویر کار عملی ۱۱۳

پیوست ۱۱۷

چکیده انگلیسی ۱۵۴

فصل اول:

مختصری از تاریخچه "تأثیرداکوژی"

۱-۱- تاریخچه‌ی "تئاتر پداگوژی"

رشته‌ی نو پای "تئاتر پداگوژی" در حال حاضر جهش قابل توجهی را تجربه می‌کند، که نتیجه‌ی مستقیم آن ایجاد مقاطع آموزشی جدید در دانشگاه‌ها و مدارس عالی و تخصصی است. یک سوم تئاتر در آلمان را "تئاتر پداگوژی" اشغال کرده است و این روند رو به افزایش است. در بسیاری از شهرهای آلمان مراکز "تئاتر پداگوژی" تاسیس شده است. با تاسیس اولین پایگاه "تئاتر پداگوژی" در سال ۱۹۸۰ در دو شهر «لینگن» و «کلن» شرایط مناسب برای رسوخ و گسترش امکانات این تخصص آغاز گشت. "تئاتر پداگوژی" در تمامی ارکان و سطوح آموزشی جامعه جایگاهی ویژه یافت. این سیستم روند رو به رشدی را در مجامع آموزشی و پرورشی، بهداشتی، تربیتی، بازپروری، توانبخشی و بخش‌هایی - گسترده‌تر همچون اداره‌ی امور سازمانها و ارگانهای دولتی و غیردولتی، آغازگر بود.

"تئاتر پداگوژی" سیستم مبتکری است که در حال حاضر در دنیا در مسیری روش‌مند-عملی و تئوری قرار گرفته که به دلیل نوپا بودن بسیار انعطاف‌پذیر بوده و آماده‌ی پذیرش طرح‌ها و ایده‌های نو می‌باشد.

امروزه "تئاتر پداگوژی" در مسیری قرار دارد که «توماس کوهن»^۱ آن را «مسیر علوم نرمال» یا به عبارت دیگر «نظم و ترتیب نرمال» نامید! (Streisand, 2006, P.434)

تئوری عصر حاضر براساس فیزیک قرن هفدهم (یعنی فیزیک نیوتن، گالیله و دکارت) به تشریح واقعیت‌های مهم می‌پردازد. تطبیق واقعیت‌ها و تئوری، منجر به تبیین یک تئوری که کوهن آن را «فعالیت‌های نظم دهی» نامید، گشت. او در این باره چنین می‌گوید:

«فعالیت‌های نظم دهی آنهایی هستند که اغلب، دانشمندان را در تمام طول زندگی به خود

1- Thomas Kuhn

مشغول می‌کنند و نهایتاً به چیزی بدل می‌گردند که من در اینجا علم معمولی (نرمال) می‌نامم.»
(Streisand, 2006, P.434)

در منابعی که به عنوان تاریخچه‌ی "تئاتر پداگوژی" شناخته شده‌اند نیز یک «فعالیت نظم دهی»
نرمال و معمولی عیان است.

چیزی که در مورد "تئاتر پداگوژی" حائز اهمیت است، این است که این پدیده ظاهراً از دهه ۵۰ در شرق آلمان و دهه ۷۰ در غرب آلمان مورد استفاده قرار می‌گرفت. با نگاهی عمیق تر به پیشینه و خاستگاه این رشته می‌توان چنین در نظر داشت که، "تئاتر پداگوژی" حتی می‌تواند از پدیده‌ی تئاتر باستان قدیمی تر بوده و با توجه به این موضوع که تمامی انسان‌ها غرایز مشترکی دارند، می‌توان نتیجه گرفت، در تمامی جهان، از جمله ایران ریشه‌ی «تئاتر پداگوژی» به صورت پراکنده و ناشناخته وجود داشته است. جای تأسف است که عدم وجود زمینه‌های تحقیق، امکان کشف آثار و مدارک تاریخی "تئاتر پداگوژی" را در سرزمین ایران میسر نمی‌کند.

در نوامبر ۲۰۰۵ در شهر لینگن آلمان یک کنفرانس بین المللی برگزار شد، که در آن شخصیت‌های برجسته و همکاران زن و مرد بازنشسته در کار "تئاتر پداگوژی" که به نحوی مؤسسان این رشته در آلمان نیز بودند، گرد هم آمدند تا از آنها به نحوی قدردانی شود. در ادامه‌ی همین سیاست در سال ۲۰۰۹ در شهر «کمنیس» آلمان مجدداً کنفرانسی بین المللی برگزار گردید که، علاوه بر بررسی فعالیت‌های دست اندکاران "تئاتر پداگوژی" کارگاه‌هایی نیز با حضور اساتیدی از سراسر اروپا برگزار گشت. دانشجویان و فعالان "تئاتر پداگوژی" در این مجمع به تجربه آموزی و کار پرداختند، معضلات و مشکلات مراکز "تئاتر پداگوژی" در اروپا بررسی شد و چشم اندازی از آن در آینده ارائه گردید تا این فعالیت نوظهور، بتواند جای پای خود را در اروپا محکم‌تر نموده و گفتگویی شایسته بین نسل‌های مختلف در سراسر جهان برقرار کند. اگر به تاریخ و سنت "تئاتر پداگوژی" بنگریم، همان گونه که امروزه در اروپا خود را به نمایش گذاشته، به منابعی بی‌نهایت ناهمگون و چند لایه خواهیم رسید که "تئاتر پداگوژی" از آنها تغذیه می‌کند.

در واقع پیش از "تئاتر پداگوژی" جریان‌هایی چون، تئاتر آموزشی و تئاتر در مدرسه، تربیت هنری در جامعه و... مطرح بوده و نشانگر آنست که مبحث پداگوژی و علوم تربیتی مورد توجه بوده است. در

اینجا باید از «برشت»^۱ و به ویژه نظریه‌ی «نمایشهای آموزشی» او نام برد و همچنین «ریچارد واسن»^۲ که در این باره چنین اظهار می‌کند که: "تئاتر پداگوژی" برای من ابتدا به واسطه‌ی «نمایشهای آموزشی» برشت جالب شد. (Streisand 2006 P.450)

از جمله نخستین افرادی که برای گسترش و توسعه‌ی متدهای "تئاتر پداگوژی" قدم برداشته و اصلاح‌گران (تئاتر قرن بیست) نام گرفتند، می‌توان از «استانسلاوسکی»^۳ نام برد و همین‌طور افرادی چون، «میخائیل چخوف»^۴، «ماریا کنبل»^۵، «میر هولد»^۶ و «استراسبرگ»^۷ و...

در کنار اینان نام گروه‌هایی تئاتری چون: «تئاتر زنده»، «گروه اجرا»، «تئاتر باز»، به عنوان صاحبان انگیزه و محرک جریان در "تئاتر پداگوژی" ثبت شده است. «کرایگ»^۸، «آپیا»^۹، «شلمر»^{۱۰} و گروه تئاتر «نان و عروسک»^{۱۱}، «هانس بولمن»^{۱۲} و «مارسل مارسو»^{۱۳} از دیگر فعالان این وادی بودند. به عنوان منابع کاربردی می‌توان از تمرینات «گروتفسکی» و «یوجینو باربا»، «رابرت ویلسون»^{۱۴}، «آگوستو بوال» و «آریان منوشکین» نام برد.

تمامی نظریه‌های به ظاهر متفاوت هنری، برای استفاده‌ی «زیبایی‌شناسانه» در "تئاتر پداگوژی" تا به امروز مسیری همسان راپیموده‌اند و تمامی دانشمندانی که در زمینه‌ی "تئاتر پداگوژی" تحقیق نموده‌اند بر این باورند که: داشتن افکار و ایده‌های همسان، تکرار و دور تسلسلی باطل نیست بلکه می‌توان از آنها به عنوان دستاویزی برای درک بهتر "تئاتر پداگوژی" استفاده نمود.

از مرور تاریخچه‌ی "تئاتر پداگوژی" می‌شود این گونه برداشت کرد که: «تئاتر برای بچه‌ها» و «تئاتر با بچه‌ها» هر دو جزء منابعیست که در بررسی کارکرد "تئاتر پداگوژی" اهمیت به‌سزایی دارد. هرچند که هدف اصلی در این تئاتر کاملاً با «تئاتر برای بچه‌ها» و «تئاتر با بچه‌ها»، متفاوت است که در فصلی دیگر به آن خواهیم پرداخت و البته در این مباحث از «تئاتر نوجوانان» و «روانشناسی بازی»

-
- 1- Bertolt Brecht
 - 2- Richard Vassen
 - 3- Stanislawski
 - 4- Michail Cechov
 - 5- Marija Chnebel
 - 6- Meyerhold
 - 7- Strasberg
 - 8- Craig
 - 9- Appia
 - 10- Schelemmer
 - 11- Bread and puppettheatre
 - 12- H-Bollmann
 - 13- Marcel Marceau
 - 14- Robert Wilsons

و «شیوه‌های بازی با بچه‌ها» نباید غافل بود.

یکی از نظریه پردازان "تئاتر پداگوژی"، چنین بیان می‌کند که: «در اوایل آشنایی با "تئاتر پداگوژی"، آن را یک واژهٔ سیاسییر نمودند». اهمیت درک و شناخت فرد از خود و جامعه در "تئاتر پداگوژی" تأکید بر این تفکر سیاسی بود.

یکی از نکات قابل توجه در مفهوم "تئاتر پداگوژی"، شناخت نکاتی است که شامل تعاریف "تئاتر پداگوژی" نیست. «در واقع باید بدانیم چه چیزهایی در حیطه‌ی تعریف "تئاتر پداگوژی" نمی‌گنجد و سپس با آگاهی به آن دریابیم که "تئاتر پداگوژی" چه می‌تواند باشد.» (Streisand 2006 P.452)

از این قاعده مشخصه‌ی اصلی "تئاتر پداگوژی" مشتق می‌گردد: هم راستا شدن عمل و اندیشه در "تئاتر پداگوژی". با مرزبندی و ایجاد سد در برابر آنچه که به عنوان پدیده‌های منفی در زندگی شناخته شده، عرصه‌ای وسیع برای بروز تمامی پدیده‌های مثبت و انرژی زا را مهیا می‌کنیم، در این صورت عمل و اندیشه هر دو در یک راستا هم نوا می‌شوند.

باید اذعان داشت که "تئاتر پداگوژی" فراتر از یک نتیجه‌ی درمانی و جسمانی را در بر می‌گیرد و نمی‌توان از آن چشم پوشی کرد، چرا که اهداف، بسیار گسترده‌تر از مقصودی صرفاً درمانی است. از این رو ادعای جنبه‌ی درمانی بودن "تئاتر پداگوژی" مورد انتقاد قرار گرفته است. قالبی که "تئاتر پداگوژی" در آن ظاهر می‌شود، در واقع شبیه به یک پارچه‌ی ناقص و حاشیه‌ای نخ نماست، با حفره‌هایی که به بخش‌های جانبی لباس وصل می‌شود و به نظر متحرک، متغییر و متضاد جلوه می‌کند.

به دلیل گستردگی امکانات "تئاتر پداگوژی" همواره دامنه‌ی تأثیرات آن گسترده‌تر از خود "تئاتر پداگوژی" است. در یک طرف "تئاتر پداگوژی" آگاهانه در خدمت اهداف تعلیم و تربیت، سیاست و یا جامعه قرار می‌گیرد و در طرف دیگر به بهبود وضعیت تک تک افراد، گروه و یا اجتماع منجر می‌گردد. اهدافی چون آزادی بیشتر، تأمین سرنوشت خود، استقلال و برابری حقوق زن و مرد نیز از دیگر نکات حاشیه‌ای آن است.

باید توجه داشت از "تئاتر پداگوژی" استفاده‌ی ابزاری نشود. به این مفهوم که موضوع در آن باید به یک عملکرد هنرمندانه و اجتماعی مربوط شود و کار در آن دقیق و با مسئولیت زیاد به کمک جزئیاتی «زیبایی شناسانه» انجام گیرد.

این موضوع می‌تواند به افرادی که در کار "تئاتر پداگوژی" به عنوان بازیگرهای غیرحرفه‌ای حضور دارند، انگیزه دهد، تا با کمک این عمل (تئاتر) خود را مطرح کنند و همچنین به وسیله آن به محافل عمومی راه یابند.

شایان ذکر است که در مورد نام "تئاتر پداگوژی"، اکثریت نمایندگان این رشته هماهنگ هستند، ولی هنوز اختلاف نظرهایی در مورد آن وجود دارد. "تئاتر پداگوژی" در حال حاضر با عنوان: «یک رشته‌ی کوچک» معرفی می‌شود که از پارامترهای خاص برخوردار است و بدیهی‌ست که رشته‌های کوچک از رشته‌های بزرگ تغذیه می‌کند. در حال حاضر فعالیت این رشته در آلمان به صورت گسترده وجود دارد. از جمله مراکز: «دانشگاه لینگن»^۱ است که در مقطع لیسانس دانشجو تربیت می‌کند و همچنین «دانشگاه هنر برلین» است که در مقطع فوق لیسانس دانشجو می‌پذیرد. مرکز آزاد اجتماعی با نام «TPZ»^۲ که مقر اصلی آن در لینگن است با تأسیس دیگر شعبات خود در شهرهای آلمان به فعالیت می‌پردازد و همین‌طور سندیکای "تئاتر پداگوژی" که با نام «BUT»^۳ فعالیت دارد پایگاه مؤسسين "تئاتر پداگوژی" است که طرح‌ها و برنامه‌ها در این مکان شکل می‌گیرد.

۱-۲- تاریخچه‌ی "تئاتر پداگوژی" در ایران

این مقوله‌ی نوظهور در اروپا و جهان، چند سالی است که فعالیت خود را در ایران شروع کرده است، شروع رسمی "تئاتر پداگوژی" از طرف مسئولین کشور آلمان در سال ۲۰۰۷ شکل گرفت و با برگزاری کارگاه‌ها و سمینارهایی در «دانشگاه تربیت مدرس تهران» به کار خود پایان داد. مقوله‌ی "تئاتر پداگوژی" به شکل رسمی برای خیلی از دانشجویان و اساتید سؤال برانگیز شد و اینجانب نیز در همین تاریخ و با شرکت در این کارگاه‌ها، به این مقوله علاقه مند شدم. با حضور مجدد گروه «دانشگاه لینگن آلمان» در تهران و برقراری ارتباط با مسئولین «دانشگاه تربیت مدرس تهران»، زمینه‌های تولید یک اثر مشترک با محوریت "تئاتر پداگوژی" بین دو دانشگاه ایجاد گشت. حاصل همکاری دو گروه، متشکل از ۵ دانشجوی ایرانی و ۵ دانشجوی آلمانی و سرپرستی دو استاد آلمانی و ایرانی و با مدیریت «دکتر محمدرضا خاکی» از دانشگاه تربیت مدرس ایران، تولید نمایشی با نام «دژاوو» بود که

1- Fachhochschule Osnabruck: Institut für Theaterpädagogik in lingen

2- Theater pädagogisches Zentrum

3- Bundesverband theatr epadagogik e.V.

به شرکت گروه ایران-آلمان در جشنواره دانشجویی ایران و همین طور اجرا در سالن «مولوی تهران» و اجرا در دو شهر آلمان منجر شد.

این اجراها مورد استقبال تماشاگران قرار گرفت و مقوله‌ی «تئاتر پداگوژی» بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. در نمایش «دژاوو» تماشاگران و منتقدان با نوعی تئاتر مواجه شدند که صمیمیتی خاص در آن موج می‌زد که این عنصر در «تئاتر حرفه‌ای» کمتر به چشم آمده است و دلیل آن اولویتی است که «تئاتر پداگوژی» به «گروه هدف» در درون خود می‌دهد. بدین معنی که «گروه هدف» و مفهوم ارتباط میان گروهی بسیار مهم‌تر از اجرای یک «تئاتر حرفه‌ای» است. بی‌شک خاستگاه نمایش، مستلزم آوردن صحنه‌هایی پر از نکات «زیبایی شناسانه» تئاتری است. این اجرا مجالی شد برای همکاری‌های بیشتر بین ایران و آلمان در زمینه‌ی «تئاتر پداگوژی» که نتیجه‌ی آن تا به امروز تحصیل دو دانشجو از ایران در دانشگاه «تئاتر پداگوژی آلمان» به مدت یک ترم تحصیلی بود که هدف از سپری کردن این دوره‌ی مطالعاتی و تحصیلی این بود که بتوان به صورت علمی و آکادمیک این رشته را در ایران و در «دانشگاه تربیت مدرس» معرفی و تأسیس نمود.

تاریخچه‌ی «تئاتر پداگوژی» در ایران به این مقوله ختم نخواهد شد. مفهوم «تئاتر پداگوژی» پیشتر از نام خود در زندگی حرکت کرده است. نشانه‌های کاربردی «تئاتر پداگوژی» بی‌شک در نسل‌ها و مناسبات انسانی و اجتماعی وجود داشته، بی‌آنکه تعریفی مشخص برای آن ارائه شده باشد. فرد و گروه در راستای اهداف خویش در جامعه به فعالیت مشغول بوده اند و از این محفل ایران مستثنی نبوده است. فعالیت‌های زیادی با توجه به مفهوم «تئاتر پداگوژی» به صورت ناخواسته انجام گرفته که بخشی از آن حاصل تحقیق یک «دانشجوی ایرانی»^۱ در دانشگاه لنینگ آلمان بود که فعالیت‌های «تئاتر پداگوژی» قبل از انقلاب و بعد از آن در مراکز فرهنگی ایران همچون: «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان»، «آموزشگاه آزاد آناهیتا»^۲ زیر نظر خانواده‌ی «اسکویی» و افرادی که به شکل مجزا و غیر دولتی به فعالیت می‌پرداخته‌اند، محور پژوهش و تحقیقات ایشان گشتند.^۲

در مسیر شناخت و علم بر «تئاتر پداگوژی» در ایران نمونه‌های زیادی وجود دارد که فعالیت افراد

۱- مهوش فیروززاده

۲- نمونه‌ای از بررسی‌ها در بخش مدرسه‌ای تئاتر پداگوژی به اختصار توضیح داده شده است.

را در این زمینه نشان می‌دهد. همانند: «معلمی»^۱ که در دوران سربازی خود ناخواسته مشغول به تدریس به دانش آموزان در روستایی دور افتاده از طریق اسلوب‌های "تئاتر پداگوژی" بوده و یا افرادی که با همین شیوه با کودکان زلزله زده‌ی بم "تئاتر پداگوژی" کار می‌کرده‌اند... بسیار نمونه‌های دیگر که بررسی آن نیازمند تحقیق دقیق و گسترده می‌باشد گسترده‌ایست تا نکته‌ای از قلم نیافتد.

فصل دوم:

تعریف "تأثیر یادگیری"

«نیکل هانس ولفگانگ»^۱: به عنوان یکی از مؤسسين "تئاترپداگوژی" و استاد این گرایش در آلمان و دانشگاه هنر برلین، در مصاحبه‌ای که توسط اینجانب با وی انجام شد، معتقد بود «که نگاه "تئاتر پداگوژی" به انسان همچون دیدگاه کودکان به جهان است. بدین معنی که: کودک درکی درست نسبت به جهان اطراف خود نداشته و همواره نیازمند کمک است. او زمانی که جوابی برای سوال خود نمی‌یابد و در صدد درک مفاهیم بر می‌آید، ابزارهای ذهنی و بدنی او خود به سمت رفع ابهام حرکت می‌کند. اینجاست که او بازی کردن را برمی‌گزیند. این نگاهی متفاوت نسبت به حقایق است که پاسخی دقیق و قابل قبول به وی ارزانی می‌دارد. کودک با خود و یا دیگران بازی می‌کند، لزوماً نقش را به شکل حرفه‌ای به نمایش نمی‌گذارد و در درون نقش فرو نمی‌رود، بلکه نقش را «بازی» می‌کند. برای او اولویت با تماشاگران بازی نیست، بلکه خود محور قرار می‌گیرد. آنها بداهه سازی می‌کند و نیازی به متن نوشته شده ندارند. آنان به بازی پاسخ می‌دهند، و نه به دستور. شخصیت آنها در همین بازی‌ها شکل می‌گیرد و کامل می‌شود. در بازی‌های گروهی اعتماد به نفس پیدا می‌کنند و شیوه‌ی کار گروهی را می‌آموزند.

در افقی گسترده‌تر "تئاترپداگوژی" همین اهداف و روش‌ها را دنبال می‌کند. «هانس ولفگانگ» معتقد است که: «ما نیازمند آنیم که اگر جامعه به سمت ما نیامد، خود به سمت جامعه حرکت کنیم.»

تعریف "تئاتر پداگوژی" شامل چند مقوله می‌شود:

۱- "گروه هدف" در "تئاتر پداگوژی".

۲- "تئاتر پداگوژی" و مقوله‌ی "زیبایی شناسی".

۳- چگونگی کار در "تئاتر پداگوژی" و تفاوت آن با "تئاتر حرفه‌ای".

1- Nickel Hans Wolfgang.